

سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا (ع) - 2 / فروردین / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام علي سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و علي اله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداه المهديين المعصومين سيما بقيه الله في الارضين

خدا را شکرگزارم که این توفیق را نصیب فرمود، تا در این ایام شروع سال جدید هجری شمسی، در سایه‌ی مرقد منور حضرت ثامن الحجج (علیه آلاف التحية و الثناء) و در کنار شما مردم مؤمن و مبارز و پیشگام و انقلابی شهر مشهد باشم و در زمهری زوار مشتاق این بزرگوار قرار گیرم. از خداوند متعال خواستارم که ما را همواره در سایه‌ی ولایت و رهبری و محبت این بزرگوار قرار بدهد و کشور ایران عزیز را - که کشور حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه) و متعلق به این خاندان عزیز خدا و محبوب نبی اکرم می‌باشد - همواره از برکات این بزرگواران مستفیض بفرماید.

من مناسب می‌دانم که در جمع شما مردم مشهد و زوار مشتاق و باخلاص این بارگاه مقدس عرض بکنم که امام فقید عظیم‌مان، مانند همه‌ی آحاد محب اهل بیت در دنیای اسلام، این اشتیاق را داشتند که در زمهری زوار امام هشتم (علیه الصلاة و السلام) قرار بگیرند. امیدوارم که خداوند، آن امام عظیم و مجاهد بزرگ دنیای اسلام و رهبر بی‌نظیر را با ائمه‌ی هدی و انوار مقدسه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) محشور بفرماید و روزبه‌روز بر درجات آن بزرگوار بیفزاید.

من امروز يك نکته را عرض می‌کنم و آن، این است که خداوند متعال درباره‌ی انقلاب اسلامی شما ملت ایران، حجت را بر همه‌ی مردم دنیا و کسانی که مشتاق حقیقتند، تمام کرده است. شاید بسیاری از انسانهای پاک و مخلص در عالم باشند که در مقابل يك حادثه، دچار تردید باشند و نتوانند آن حادثه را تحلیل کنند و یا درباره‌ی آن قضاوت نمایند. برای خود ما هم گاهی اتفاق می‌افتد که حادثه‌ی در دنیا پیش می‌آید، ولی نمی‌توانیم به طور قاطع درباره‌ی آن حادثه اظهار نظر کنیم. فرضاً حکومتی در يك کشور بر سر کار می‌آید، یا در جایی از دنیا، نزاعی بین دو جناح درگیر می‌شود که گاهی دلایل کافی و شواهد روشن‌گر در دسترس قرار نمی‌گیرد؛ لذا انسان نمی‌تواند درباره‌ی آن قضیه قضاوت کند.

من عرض می‌کنم که هیچ‌کس در دنیا نیست که نتواند درباره‌ی انقلاب اسلامی ملت ایران درست قضاوت کند و دچار تردید بماند. خدا درباره‌ی این انقلاب، حجت را بر همه تمام کرد. آن قدر دلایل روشن برای شناسایی این انقلاب وجود دارد که اگر کسی در دنیا واقعا بخواهد حق را پیدا کند و بشناسد، یقیناً دچار تردید نخواهد ماند. به آنهایی که از روی غرض حرف می‌زنند، کاری نداریم. به آنهایی که منافعشان بر اثر این انقلاب تهدید شده، یا از بین رفته است، کاری نداریم. به آن حکمرانان مستبد و ظالم که از بیداری مردم و ملت خودشان می‌ترسند و به این جهت با این انقلاب دشمنند و درباره‌ی آن بد قضاوت می‌کنند، کاری نداریم. صحبت بر سر انسانهای بی‌غرض و بی‌مرض و حقجو و کسانی است که واقعا دنبال حقیقت می‌گردند، تا حقیقت را بشناسند. این‌گونه آدمها در هر جای دنیا که باشند، اگر نامی از این انقلاب و خبری از آن شنیده باشند، درباره‌اش دچار تردید نیستند و قضاوتشان نسبت به آن، قضاوت واضح و روشنی است.

من دو دلیل از دلایلی را که خدا برای راهنمایی انسانهای جویای حق در دنیا مجسم کرده و در معرض دید همه گذاشته است، می‌گویم؛ دلایل بیش از اینهاست.

يك دلیل، عبارت از دشمنی اشرار عالم با این انقلاب است. این، يك شاخص است. شما هر جا در دنیا، کسی یا دستگاهی را پیدا کنید که شریر و شرآفرین باشد، مجسمه‌ی شیطان و منشأ بدی و فساد باشد - چه شرق، چه غرب، چه در میان کشورهای پیشرفته، چه در میان کشورهای عقب افتاده، چه در میان سیاستمداران، چه در میان فرهنگیان و قلم‌به‌دستان و از این قبیل افراد - نسبت به این انقلاب، دشمنی آشفتنی‌ناپذیر دارند. من هیچ انقلاب

دیگری را در دنیا و در طول تاریخ انقلابها - یعنی از حدود هفتاد سال پیش به این طرف - از این قبیل و به این شکل سراغ ندارم.

ابرقدرتها با انقلاب ما مخالفند. آنها مجسمه‌ی شر و فسادند. شریر واقعی و درجه‌ی اول، ابرقدرتها هستند؛ یعنی حکومتها و سردمدارانی که بخشی از دنیا در قبضه‌ی قدرت آنهاست و در امور ملتها هم - غیر از ملت خودشان - دخالت می‌کنند. البته یک روز در دنیا دو ابرقدرت وجود داشت؛ ابرقدرت غرب که امریکا بود، و ابرقدرت شرق که شوروی بود. امروز این تقسیم‌بندی وجود ندارد و ترکیب و تشکیل سیاسی عالم، به شکل دیگری است. اما امروز هم مثل همیشه، سران قدرتهای بزرگ شیطانی، که وجود آنها مجسمه‌ی شر و فساد است، از بن دندان با این انقلاب مخالفند.

چه کسی در این شک می‌کند که دولتی مثل دولت امریکا، مظهر شر و فساد است؟ چه عمل شرارتباری را در دنیا سراغ دارید که اینها انجام نداده باشند؟ دیدید که در طول این سالهای متمادی، در آفریقا، در آسیا، در آمریکای لاتین، در خاور میانه، در دریا و صحرا، هرجا که امریکاییها احساس کردند منافعی در آنجا دارند و آن منافع، متوقف بر این است که عده‌ی انسان کشته بشوند، دریغ نکردند! با این حال، شعار طرفداری از حقوق بشر را هم می‌دهند! شیطانهای عالم، همیشه همین‌طور بوده‌اند.

این که کسی ادعا کند ما طرفدار حقوق بشریم، قضیه را تمام نمی‌کند. طرح قضیه‌ی حقوق بشر از طرف سردمداران امریکا، چه حالا و چه در روزهای قبل، یک دکان و یک وسیله برای استفاده‌ی بیشتر است. اینها به حقوق بشر اعتقاد ندارند. اینها کسانی هستند که در مقابل چشمشان، حکومت صهیونیستی در کشور فلسطین، مردم فلسطین را به بدترین وجهی زیر فشار و کشتار و اختناق و شکنجه قرار می‌دهد و آنها حاضر نیستند حتی به زبان، عمل او را محکوم کنند. فلسطینی‌ها انسان نیستند؟! حقوق بشر شامل فلسطینی‌ها نمی‌شود؟!!

اینها کسانی هستند که مرتجعترین و مستبدترین حکومتهای دنیا متکی به آنهایند، از آنها مدد و کمک می‌گیرند و انسانها را نابود می‌کنند. شما در دنیا نگاه کنید، ببینید کشورهایی که حتی یک مجلس شورا - ولو به صورت شکلی و اسمی - ندارند، کدامند؟ الان کشورهایی هستند - احتیاجی به اسم آوردن نیست؛ همه‌ی شما این کشورها را می‌شناسید - که اداره‌ی امور آنها، بدون کوچکترین دخالت و آرای مردم انجام می‌گیرد. حکومتهای آنها، فردی مطلق است. پارلمان و انتخابات ندارند و در نتیجه مردم نماینده‌ی قانونگذار و رئیس جمهوری هم که انتخابش میکنند، ندارند. یک نفر یا یک خانواده، بر مردم و ثروت و نفت این کشورها حکومت مطلق می‌کند و هر کاری دلشان بخواهد، از کشتار و اختناق و حبس و زجر و بقیه‌ی توهینها و اهانتها، با مردم این کشورها انجام می‌دهند. این دولتهای این‌قدر مختنق و مرتجع، این‌قدر دور از پیشرفتهای سیاسی عالم و بی‌اعتنا به حقوق انسان، نورچشمیهایی امریکایند و امریکا بزرگترین مدافع این کشورهاست! امریکا طرفدار حقوق بشر است؟ اگر این‌طور است، چرا به این دولتهای زوری اختناق فاسد بی‌اعتنایی به دمکراسی و حقوق بشر، یک یادداشت کوچک اعتراض نمی‌فرستد که حقوق بشر در کشور شما مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است؟!!

یکی از حساسترین مناطق عالم، همین منطقه‌ی استراتژیک کشور آفریقای جنوبی است که سر دماغه‌ی "امیدنیک" در منتهی‌الیه جنوب آفریقا واقع شده است؛ محلی که امروز از لحاظ سوق‌الجیشی و در دوره‌های گذشته از لحاظ سیاسی و اقتصادی، اهمیت بسیار زیادی داشته است. مدتها قبل یک عده سفیدپوست به آنجا رفتند و حاکم شدند؛ از جهالت مردم بومی سوء استفاده کردند و حکومت و اداره‌ی آن کشور را به دست گرفتند؛ معادن قیمتی الماس و طلا و بقیه‌ی چیزها را مالک شدند و سیاه‌پوستان را در شرایط حیوانی نگهداشتند. درعین حال، امریکا و انگلیس و بسیاری از کشورهای غربی مدعی حقوق بشر، هیچ حرکت جدی علیه آفریقای جنوبی نکردند! من نمونه‌ی از کیفیت حکومت آفریقای جنوبی را در کشور دیگری که در همسایگی این کشور است، از نزدیک دیده‌ام. البته آن کشور توانسته به استقلال دست پیدا کند و سفیدپوستان طرفدار تبعیض نژادی را بیرون کند. من دیدم که سفیدپوستان در دوران حاکمیت، با مردم بومی و مالک آن سرزمین، به جرم سیاه‌پوست بودن، چگونه رفتار می‌کردند؛ به آنها چه قدر اهانت و تحقیر و فشار و شکنجه تحمیل می‌شد.

شما گاهی در تلویزیون مناظری را می بینید که مردم سیاه پوست آفریقای جنوبی، به وسیله ی پلیس سفید پوست حاکم بر آن جا، کتک می خورند. این، چه طور حقوق بشری است؟! حقوق بشر، یک حقه است. امریکا و بسیاری از قدرتهای بزرگ، اصلا به حقوق بشر اعتقاد ندارند؛ دروغ می گویند. طرح مسأله ی حقوق بشر، برای فریب و وسیله ی فشار است؛ برای این است که اگر خواستند دولتی را زیر فشار افکار عمومی قرار بدهند، با تهمت نقض حقوق بشر زیر فشار قرار بدهند و خودشان را متولی حقوق بشر در دنیا معرفی کنند؛ آن جایی هم که لازم می دانند، به عنوان طرفداری از حقوق بشر، حتی قوای نظامی وارد یک کشور بکنند و حکومت آن کشور را تغییر بدهند!

کدامیک از جنایتهای عمده است که حکام امریکا انجام نداده باشند؟ آنها چه قدر حکومت ملی را سرنگون کردند؟ دستگاه جاسوسی امریکا - سیا - چه قدر در آفریقا، در امریکای لاتین، در قاره ی امریکا، در خاورمیانه و در آسیا، آن جایی که لازم دانسته است، وارد شده و حکومتی را که با آن موافق نبوده، توطئه و دسیسه چینی کرده، تا آن را سرنگون کند؟ از این قبیل فراوان است. همین رئیس جمهوری فعلی امریکا - آقای بوش - که یک وقت در رأس دستگاه امنیتی و جاسوسی امریکا بوده است، خود او می داند که در این دستگاه چه کارها کرده اند. شاید خود ایشان، بسیاری از این کارها را انجام داده است؛ غارت ملتها، حمله ی به ملتها، دروغ پراکنی، توسعه ی فساد در عالم، تحمیق بسیاری از قشرهای مردم، حتی در کشور امریکا. اینها کارهایی است که سردمداران امریکا و بقیه ی قدرتمندان ظالم و ستمگر عالم انجام داده اند.

این گونه دستگاههای شیطانی، دشمنان جمهوری اسلامی هستند. این خودش، حجتی در دنیاست. هرکسی که در دنیا با نگاه بصیرت و دقیق نگاه بکند، از مخالفت همین عناصر شریر و فاسد، می تواند حقانیت جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی را تشخیص بدهد. خیلی خوب می شود فهمید که آن حکومت و انقلاب و نظامی که دستگاههای شیطان صفت عالم این قدر با آن دشمنند، لابد نظام حق است. لابد این کشور و این انقلاب، دشمن خلافاکاریهای آنهاست که این قدر با آن بدند. این، امر واضحی است.

البته ملت شریف هوشمند فداکار ما بدانند، کسانی هستند که متأسفانه اسمشان هم ایرانی است، متعلق به همین آب و خاکند، ادعای فهم سیاسی و روشنفکری هم می کنند، اما نمی توانند این حجت واضح و روشن را ببینند. با جمهوری اسلامی مخالفت می کنند؛ درحالی که می بینید شیاطین و شریرها و قلدرها و دستگاههای منفور عالم، با جمهوری اسلامی بدند. باید می فهمیدند که وقتی نظامی مثل جمهوری اسلامی هست و شیطانها در مقابل آن صف کشیده اند، هر انسانی که ضد شیطانها و شیطان صفتهاست، بایستی پشت سر این نظام قرار بگیرد و از آن دفاع کند. من تعجب می کنم از کسانی که ادعا می کنند شم سیاسی دارند، یا ادعای روشنفکری می کنند و دشمنی دشمنان بشریت را با جمهوری اسلامی می بینند، درعین حال از این که با جمهوری اسلامی اظهار مخالفت کنند، خجالت نمی کشند. اینها وجدانشان مرده و چشم دلشان کور شده است؛ اگرچه ممکن است دارای فهم سیاسی و به اصطلاح جزو قشرهای روشنفکر هم باشند.

من معتقدم، این حجت خداست که به نفع جمهوری اسلامی تمام کرده است. هر جا جناح خبیث و پلید و منفوری هست، با جمهوری اسلامی بد و مخالف و دشمن است؛ درست مثل زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که اشراف فاسد و زورگوها و دشمنان طبقات مظلوم و محروم و کسانی که خودشان به این طبقات ظلم می کردند و منافقان که در دلشان مرض بود، با دعوت پیامبر مخالفت کردند. امروز عینا همان جناحها در برابر جمهوری اسلامی ایستاده اند؛ چون جمهوری اسلامی راه پیامبران را طی می کند.

مطلب دوم که آن هم بسیار حایز اهمیت است، این است که با وجود این همه مخالفتها از اول پیروزی انقلاب و قبل از آن تا امروز، انقلاب و جمهوری اسلامی و ملت ایران، بر تمام دشمنان گوناگون و رنگارنگ خود فایق آمده اند و آنها را شکست داده اند. خود این، یک حجت الهی است. حکومت و نظام و ملتی که همه ی قدرتمندان رذل و پلید و خبیث دنیا با آن مخالفند، زور و پول و سلاح هم دارند، تبلیغات و رادیو و روزنامه هم دارند، نوکر و مزدور و دستگاه جاسوسی و اطلاعاتی هم دارند، توطئه هم می کنند، مقدمات کودتا هم راه می اندازند، دشمنان را هم تقویت می کنند، درعین حال نمی توانند این ملت و این انقلاب و این جمهوری را متزلزل کنند. این خود، از آیات الهی و

نشانه‌ی حقانیت شما ملت انقلابی و مسلمان است.

آنها روز اول فکر نمی‌کردند که نتوانند ما را شکست بدهند؛ اما نتوانستند. مرتب وعده دادند و گفتند شش ماه دیگر جمهوری اسلامی سقوط خواهد کرد؛ اما بعد که دیدند نمی‌شود، زمان را زیاد کردند و گفتند یک سال دیگر؛ اما باز وقتی که دیدند امکان ندارد، تمدید کردند و گفتند دو سال دیگر، پنج سال دیگر! قدرت ملت ایران، دشمنان را وادار کرد که از حرفهایشان عدول کنند. آن را به امری که زمانش معلوم نیست، موکول نمایند. گفتند بعد از رحلت امام، جمهوری اسلامی شکست خواهد خورد. امام بزرگوار ما رحلت کردند و به جوار رحمت الهی رفتند؛ اما همچنان که هر ثانیه و هر آنی از آنات عمر آن وجود مقدس در دوران انقلاب، مایه‌ی تقویت انقلاب بود، بر اثر آن معنویت عظیم و آن محبوبیت بزرگ، ارتحال آن بزرگوار هم اسلام و انقلاب را بیشتر تقویت کرد. آن اخلاص و محبتی که مردم به امام راحلشان نشان دادند، آن تشییع جنازه، آن پیروی از وصیت، آن احترام به رهنمود و خط امام، آبروی انقلاب و ملت ایران را در دنیا چند برابر کرد؛ همچنان که آبروی امام بزرگ را هم در دنیا مضاعف نمود. بحمدالله روزبه‌روز انقلاب راسختر، جمهوری اسلامی مستحکمتر، و ملت ایران مقاومتر شده‌اند و باز هم خواهند شد.

من می‌خواهم به شما ملت بزرگ و شجاع عرض کنم که بدانید، دشمن قادر بر شکست دادن این انقلاب و این ملت نیست؛ که البته شما می‌دانید و رفتارشان نشان داده است که به این حقیقت واقفید. مادامی که ملت در صحنه است و احساس مسئولیت می‌کند - همچنان که امروز همه‌ی قشرهای ملت ما در صحنه‌اند و احساس مسئولیت می‌کنند - مادامی که ملت متمسک به اسلام و قرآن است - که تمسک به اسلام و قرآن، در میان ملت ما روزافزون است - مادامی که وحدت کلمه در میان ملت ما حکمفرماست - که بحمدالله وحدت کلمه در میان ملت ما چشمگیر است - دشمن هیچ چاره و سرانجامی جز ناکامی و یأس ندارد. شما دشمن را مأیوس کرده‌اید. امروز در دنیا، دولت و نظام جمهوری اسلامی، مردمیترین دولت و نظام است. آرای حقیقی مردم، محبت و عواطف، احساسات و قلبهای مردم، پشت سر این نظام و مسؤولان آن است. دشمنان می‌خواهند وانمود و منعکس کنند که مردم از اسلام فاصله گرفته‌اند. مردم از اسلام فاصله نمی‌گیرند؛ بلکه روزبه‌روز به اسلام نزدیکتر می‌شوند. مردم دنیا، آنهایی که هفتاد سال از اسلام دور بودند و فاصله داشتند، به برکت قیام و حرکت اسلامی شما مردم، به اسلام نزدیک می‌شوند. امروز مسلمانان دنیا، از اسلام خودشان احساس عزت می‌کنند؛ درحالی که در گذشته احساس حقارت و سرشکستگی می‌کردند.

بحمدالله امروز مسؤولان کشور، به فکر رفع نیازهای مردم و کمبودها هستند و امکان هم در اختیار مسؤولان است و نشانه‌هایش را شما می‌بینید. به فضل الهی، من با اطمینان کامل می‌گویم که پیشرفت جمهوری اسلامی در مسایل مادی و معنوی، روزبه‌روز دشمنان را عصبانیت‌ر و مأیوس‌تر خواهد کرد.

البته مردم نباید فراموش بکنند که ما هرچه داریم، به برکت اسلام ناب و اسلام انقلابی است؛ اسلامی که به فکر طبقات مستضعف و محروم است، نه اسلامی که در خدمت قدرتمندان و اغنیاست. بله، در دنیا کسان دیگری هستند که ادعای اسلام می‌کنند؛ اما اسلام آنها اسلام محمد نیست؛ اسلام ابوجهل و ابولهب است؛ اسلام امریکاست. کسانی هستند که ادعای اسلام و اسم اسلام را وسیله‌ی برای چاپیدن و سوء استفاده و تحمیق بیشتر قرار داده‌اند. آن اسلام، اسلامی است که به نفع سرمایه‌داران و زراندوزان و صاحبان میلیاردها دلار در بانکهای خارجی است. ما آن اسلام را قبول نداریم.

اسلامی که رسول اکرم و اولیای الهی برای آن جان دادند و حسین بن علی (ع) خون خود و عزیزانش را در راه آن نثار کرد، اسلامی که امام بزرگوار ما عمرش را در دعوت به آن گذراند، اسلام ضعفا و طبقات پابرهنه، اسلامی که به پایین دست‌های جامعه، قدرت و عزت و آقایی می‌دهد و آنها را از ذلت و مسکنت خارج می‌کند، اسلامی که زورگویان و قلدان و قدرتمندان ظالم را از سریر قدرت به زیر می‌کشد - که در دنیا می‌بینید و دیدید که محمدرضا و خاندان منحوس پهلوی را به زیر کشید - آن اسلام مورد نظر ماست.

هرچه دارید، از اسلام است. هرچه دارید، از توجه و اتکال به خدا و ارتباط با اوست. ارتباط و اتصال با خدا را

فراموش نکنید. ماه رمضان، بهار خودسازی و عبادت، بهار قرآن، بهار توجه و ذکر و استغفار و استغاثه‌ی به خدا، در پیش است؛ آن را قدر بدانید. همه‌ی قشرهای مردم - مخصوصاً جوانان - ماه رمضان را مغتنم بشمارند، به خدا پناه ببرند، هدایت و عنایت او را طلب کنند، به او اتکال نمایند و از دشمنانش ذره‌یی واهمه نکنند. ان شاء الله فضل و رحمت الهی و هدایت و کمک پروردگار، شامل حال شما ملت عزیز و بزرگ خواهد بود.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته